خبر

طی سه سال اخیر صورت گرفت؛

راه اندازی ۵۳ و تعطیلی ۴۰واحد صنعتی

رئیس سازمان صنعت،معدن و تجارت گلستان از احیا و راه اندازی ۵۳ واحد راکد از سال ۹۲ تاکنون خبر داد و گفت: بین سال های ۸۴ تا ۹۲در مجموع ۱۲۴ واحد صنعتی استان با اشتغال ۳هزار و ۴۱۰ نفر به دلایل مختلف همچون پایین آمدن درآمد و قدرت خرید مردم و شرایط بدبازار تعطیل شده‌بود.حسینقلی قوانلو در دیدار با اعضای مجمع نمایندگان گلستان در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: همچنین از سال ۹۲تاکنون ۴۰ واحدصنعتی با اشتغال ۷۰۴ نفر تعطیل شده است. وی با اشاره به تلاش دولت برای رفع مشکلات اقتصادی و تولیدی باقی مانده از دوره های گذشته ،افزود: واحدهای احیا شده زمینه اشتغال ۹۶۱ نفر را فراهم کرد. رئیس صنعت،معدن و تجارت گلستان همچنین با اشاره به اجرای طرح رونق تولید در سال جاری گفت: با اجرای طرح رونق تولید و در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی، پیش بینی می شوداکثر واحدهای صنعتی و معدنی که بدلیل شرایط اقتصادی و مالی با مشکل مواجه هستند،فعال و به چرخه تولید بازگردند. به گفته قوانلو؛ در اجرای این طرح اقتصادی، تاکنون ۲۲۹ واحد و طرح تولیدی راکد و یا در حال تکمیل استان بالغ بر ۲ هزار و ۸۸۰ میلیارد ریال تسهیلات دریافت کردند. وی افزود: ۲۲۰ واحد تولیدی دارای مشکل استان نیز از محل سایر منابع بانکی یکهزار و ۹۲۰میلیارد ریال تسهیلات دریافت نمودند.

«»

رییس بنیاد توانمندی سازی گندمکاران ایران خواستار شد؛

افزایش نرخ خرید تضمینی گندم

رئیس بنیاد توانمندسازی گندمکاران ایران در نامه ای با قدردانی از حمایت رئیس جمهوری در تحقق خودکفایی تولید گندم، از وی خواست به منظور جبران بخشی از هزینه ها، نرخ خرید تضمینی این محصول در سال زراعی ۹۶-۹۵ افزایش یابد.علی قلی ایمانی در این نامه از رئیس جمهوری خواسته است که در سال زراعی جاری به منظور رضایتمندی و کمک به یک میلیون و ۵۰۰ هزار خانوار کشاورز و تامین برخی از هزینه های تولید، در اعلام نرخ خرید تضمینی به سقف ۱۴هزار ریال برای هر کیلوگرم که مطالبه گندمکاران است، توجه گردد. رئیس خانه کشاورز گلستان در بخشی از این نامه افزوده است که در سه سال اخیر حمایت های دولت باعث شده که بخشی از عقب ماندگی های چند سال قبل در بخش کشاورزی جبران شود و گندمکاران امیدوارند که این حمایت ها با افزایش نرخ خرید تضمینی گندم استمرار یابد. شورای اقتصاد، هنوز نرخ خرید تضمینی گندم برای سال زراعی ۹۶ – ۹۵ را اعلام نکرده است. در سال زراعی قبل قیمت خرید تضمینی هر کیلوگرم گندم معمولی ۱۲ هزار و ۷۰۵ ریال و گندم دوروم ۱۳ هزار و ۶۸ ریال تعیین شده بود. کشاورزان گلستان در سال زراعی قبل یک میلیون و ۵۱۰ هزار تن گندم برداشت کردند که از این میزان یک میلیون و ۳۶۴ هزار تن به مراکز خرید تضمینی شرکت غله استان تحویل شد، گندمکاران گلستان در این بخش رتبه دوم کشوری را بعد از استان خوزستان کسب کردند.

«»

طی سه سال گذشته؛

گلستانیها ۷ کیلو طلا به عتبات عالیات اهدا کردند

رئیس ستاد عتبات عالیات گلستان با اشاره به اهدای حدود ۷ کیلو طلا و ۲۵ میلیارد ریال پول نقد مردم این استان برای بازسازی عتبات عالیات طی سه سال گذشته، گفت: هم اکنون درهای حرم امامین جوادین (ع) نیز در گرگان ساخته می شود. به گزارش ایرنا صفرعلی معراجی در نشست شورای اداری گلستان افزود: با وجود آغاز دیرهنگام فعالیت ستاد در استان، تاکنون کمک های خوبی انجام شده است. وی اظهار کرد: علاوه بر ساخت درهای حرم امامین جوادین در گرگان، مردم گلستان برای سهیم شدن در ثواب و اجر معنوی بیش از ۲ تن مس که مهمترین و پرکاربردترین بخش ساخت و ساز این اماکن متبرکه است، اهدا کردند. معراجی بیان کرد: علاوه بر آن مشارکت گلستانی ها در ساخت گنبد امام حسین (ع) نیز ستودنی است که در این بخش حدود ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال نذری جمع آوری شده است.

حکایت خانه‌های ویران و روستائیان آواره غرب گلستان

ســرما زودتر از اعتبارات رسید

۶۶ روز از خسارت‌های سیل در گلستان می‌گذرد و درحالی‌که مدیریت بحران اعتباری را برای جبران خسارت تأمین نکرده، خانوارهای سیل‌زده، زمستان را باید در منازل دیگران سپری کنند. به گزارش مهر اگرچه هشدارهای هواشناسی همه را گوش به زنگ کرده بود اما با این حال کسی فکرش را هم نمی کرد باران روز چهارشنبه ۱۷ شهریور به خانه ها و زمین های کشاورزی در کردکوی رحم نکند. شدت سیل در حدی بود که در فاصله کوتاه از شروع بارش، جاده اصلی محور گرگان – کردکوی مسدود شد و از ساعت ۲۰ روز چهارشنبه تا ۶ و ۳۰ دقیقه روز بعد براثر جاری شدن سیلاب و بالا آمدن آب در بخش رودخانه «گرجی‌محله» مسیر ارتباطی مرکز استان از سمت غرب به‌کلی قطع شد.در ساعات اولیه مدیریت بحران استان خسارت‌های اصلی را فقط به بخش کشاورزی و زیر بنایی اعلام کرد اما در روزهای بعد مسئولان محلی از وارد آمدن حجم عظیم خسارت به اراضی کشاورزی جاده‌ها، معابر و ابنیه شهری و روستایی و همچنین منازل مسکونی در روستاهای میان دره، سالی کنده، گرجی‌محله، مفیدآباد، دنگلان، مهتر کلاته و یساقی خبر داد.حالا ۶۶ روز از جاری شدن سیل در کردکوی می‌گذرد و ۴۰۰ خانوار حادثه‌دیده این ۷ روستا چشم‌انتظار تخصیص اعتبارات هستند. خانه های تخریب شده و زمین های کشاورزی هم دیگر محلی برای گذران زندگی نیست؛این دستاورد سیل برای روستائیان غرب گلستان است. اهالی خانه به دوش مدتی است که در خانه های اقوام و آشنایان روزگار سپری می کنند. زمین های کشاورزی برخی از آن ها هم به کل نابود شده و حاصل دسترنج آن ها یک شبه زیر آب رفت. چشم امید همه آن ها به کمک های دولتی است. اکنون دو ماه از سیل می گذرد و روستائیان هنوز چشم به راه کمک ها هستند؛ اما مسئولان می گویند فعلاخبری نیست.

تسهیلات گرفتیم اما اعتبارات دولتی نرسید

روستای دنگلان ظاهرا به نسبت سایر روستاها بیشترین خسارت را دیده و منازل روستائیان هم در صدر خسارت های وارده است. دهیار این روستا در گفت‌وگو با مهر اظهار کرد: به حدود ۷۰ درصد از خانوار سیل‌زده روستا تسهیلات تعلق گرفت اما تا این لحظه حتی ریالی از اعتبارات دولتی به دست مردم نرسیده است. محمدرضا جعفرپور بابیان اینکه از یک هزار خانوار روستا حدود یک‌پنجم آن‌ها در سیل اخیر خسارت جدی دیده‌اند، افزود: ۱۹۷ خانه روستایی و ۶۱۷ هکتار از اراضی کشاورزی دنگلان براثر سیل اخیر کاملاً خسارت‌دیده‌اند. وی ادامه داد: برآورد اولیه بنیاد مسکن نشان می‌دهد سیل اخیر حدود سه میلیارد تومان به منازل مسکونی خسارت وارد کرده است. دهیار روستای دنگلان به همکاری و همراهی خوب فرمانداری، بخشداری و بنیاد مسکن با حادثه دیدگان سیل اخیر اشاره و تصریح کرد: بازدیدهای منظم و اقدامات به‌موقع بخشداری و فرمانداری به‌سرعت امید را به خانواده‌های خسارت‌دیده بازگرداند اما باگذشت بیش از دو ماه هنوز یک ریال از اعتبار ۳۱ میلیارد تومانی وعده داده‌شده از سوی مسئولان استانی به دست مردم نرسیده است. وی از بازگشت برخی از خانواده‌های خسارت‌دیده به روستا خبر داد و خاطرنشان کرد: با وام ۲۵ میلیون تومانی قرض‌الحسنه و ۱۰ میلیون تومانی بلاعوض از سوی بنیاد مسکن شرایط روستا در حال بازگشت به وضعیت قبلی است.

چشم‌انتظار تخصیص اعتبار هستیم

رضایتمندی دهیار از بازدیدهای فرمانداری و بخشداری نشان از جدیت مسئولان شهرستان در پیگیری مطالبات و خواسته‌های سیل‌زدگان داشت، موضوعی که بخشدار مرکزی کردکوی آن را جزو وظایف خود دانسته و اظهار کرد: حضور درصحنه و پیگیری حل مشکلات مردم را از وظایف خود دانسته و در سیل اخیر در امدادرسانی به حادثه دیدگان بیکار ننشستیم. محمد روحانی فر افزود: در ساعات اولیه پس از اتمام بارش، بیل مکانیکی و کامیون از شهرهای هم‌جوار تهیه شد و روستاها را از گل‌ولای، چوب و ... پاک‌سازی کردیم. وی با یادآوری اینکه بیشترین خسارت‌ها به روستاهای دنگلان، ایلوار، نامن و میان دره وارد‌شده است، ادامه داد: امدادرسانی از ساعت اولیه با همکاری هلال‌احمر، بهزیستی و کمیته امداد و سایر دستگاه‌های خدمات رسان آغازشده و پس از دو روز آهک پاشی تمام روستاهای سیل‌زده به پایان رسید. بخشدار مرکزی کردکوی اضافه کرد: تا این لحظه از اعتبارات بخشداری حدود ۳۰ میلیون تومان برای مرمت زیرساخت‌ها و تأمین سیمان، ماسه و آجر برای مرمت منازل خسارت‌دیده هزینه کرده‌ایم و همچنان چشم‌انتظار تخصیص اعتبار برای جایگزینی آن هستیم.

مدیریت بحران هیچ اعتباری مصوب نکرد

هرچند در صحبت‌های دهیار و بخشدار تا حدودی آثار رضایتمندی از وضع موجود دیده می‌شود اما منابع آگاه و اهالی روستا به‌شدت از جدی نگرفتن سیل اخیر از سوی مسئولان استان و نداشتن همکاری آن‌ها گلایه‌مند هستند، نکته‌ای که در گفت‌وگو فرماندار کردکوی با مهر با ادبیات دیگری مطرح شد. مجتبی جمالی گفت: مدیریت بحران استان و کشور هیچ اعتباری را برای سیل کردکوی مصوب نکرد. وی خاطرنشان کرد: در سیل اخیر به بیش از ۴۰۰ واحد روستایی و تأسیسات زیربنایی شهرستان خسارت وارد شد و در برخی از روستاها، واحدهای مسکونی ۱۰۰ درصد تخریب شدند. وی ادامه داد: سیل اخیر ۳۱ میلیارد تومان به بخش کشاورزی، یک میلیارد بخش راه و ابنیه، ۲۵۰ میلیون تومان شبکه‌های آب و فاضلاب روستایی و بیش از دو میلیارد تومان مسکن روستایی شهرستان خسارت وارد کرده است.فرماندار کردکوی اضافه کرد: در ۱۲ ساعت اولیه پس از سیل برآورد خسارت‌ها به استانداری گلستان اعلام شد اما تا این لحظه اعتباری برای جبران خسارت مصوب نشده است. وی با تأکید بر اینکه زودتر از موعد مقرر خسارت‌ها به استان اعلام شد، تصریح کرد: تاکنون تخصیص یک ریال از اعتبارات حوادث استان به سیل‌زدگان کردکوی مصوب نشده و اگر همچنین اقدامی صورت گرفته به فرمانداری ابلاغ نشده است.جمالی بیان کرد: آنچه تاکنون برای جبران خسارات سیل در شهرستان انجام‌شده حاصل پیگیری و همکاری سه‌جانبه فرمانداری، بنیاد مسکن و کمیته امداد بوده است.

بعضی از دستگاه‌ها تعلل کردند

فرماندار کردکوی به‌صراحت اعلام کرد حتی یک ریال برای جبران خسارت سیل اخیر برای شهرستان کردکوی از محل اعتبارات حوادث استان تصویب و ابلاغ نشده است. اعتباری که قرار است خسارت ۱۰۰ درصدی سیل به خانه ها و زمین های کشاورزی هم وطنان گلستانی را جبران کند. خسارتی بیش از ۳۴ میلیارد تومان که با اظهارات مدیرکل مدیریت بحران گلستان زیر سوال رفت زیرا صادقعلی مقدم در گفت‌وگو با مهر اعلام کرد که در سیل شهریورماه تنها سه میلیارد تومان خسارت به زیرساخت‌ها، ابنیه و شریان‌های حیاتی شهرستان کردکوی خسارت وارد شد. این اظهارات مقدم شائبه بی مهری مسئولان به سیل زدگان و جدی نگرفتن خسارت های سیل را پررنگتر می کند با این حال او مدعی است که این خسارت، به‌موقع اعلام‌شده و برای جبران آن از هیئت دولت مصوبه داریم. وی در همین رابطه افزود: بخشی از واحدهای مسکونی بیمه بوده‌اند که خسارت بیمه پرداخت شد اما برای تعمیر و بازسازی مابقی واحدهای آسیب‌دیده ۵۷۶ میلیون تومان وام کم‌بهره از سوی دولت تخصیص داده‌شده است. وی در پاسخ به این پرسش که آیا اعتبارات تخصیص‌یافته یا خیر، گفت: فرآیند اداری آن انجام‌شده و مصوبه آن از هیئت‌وزیران اخذشده و ۱۷ آبان ماه این مصوبه به استان ابلاغ شد اما هنوز تخصیصی انجام‌نشده است. مدیرکل مدیریت بحران استانداری گلستان با یادآوری اینکه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مصوبه این اعتبار را از هیئت‌وزیران گرفته و به استان ابلاغ کرده است، تصریح کرد: این اعتبار شامل پایدار کردن ۶۲ میلیارد تومان اعتبار تخصیص نیافته سیل سال ۹۳، هفت میلیارد تومان بازسازی تأسیسات زیربنایی و چهار روستای رانشی ازجمله نرگس چال و چشمه لی مراوه‌تپه و همچنین ۵۷۶ میلیون تومان تسهیلات بازسازی اماکن خسارت‌دیده در سیل اخیر است. وی خاطرنشان کرد: در سیل اخیر کردکوی تنها دو میلیارد تومان خسارت به این شهرستان واردشده که مصوبه آن را اخذ کرده‌ایم هرچند بعضی از دستگاه‌ها در اعلام خسارت‌ها تعلل کرده‌اند.

تناقض گویی مسئولان ادامه دارد

به گفته مقدم این نقصان و تعلل دستگاه‌ها ازجمله بنیاد مسکن در شورای هماهنگی مدیریت بحران اعلام شد. این نظر مدیرکل مدیریت بحران در حالی است که فرماندار کردکوی و بخشدار منطقه از همکاری خوب بنیاد مسکن راضی بودند. تناقض بین اظهارات استانداری گلستان و فرمانداری کردکوی آن جایی پررنگتر می شود که «مقدم» مجموع اعتبارات سیل استان از سال ۹۳ تاکنون به همراه خسارت رانش روستاها را حدود ۷۰ میلیارد تومان برآورد می کند که تنها دو میلیارد تومان آن برای کردکوی است ولی فرماندار کردکوی خسارت منطقه را ۳۱ میلیارد تومان می داند.با تمام این اختلافات، حتی همان اعتبار دو میلیارد تومانی هم به کردکوی نرسیده و مردم خسارت‌دیده کردکوی باید سرمای زمستان را در حالی سپری کنند که نه سرپناهی دارند و نه زمینی برای کسب روزی حلال.

میزان صدور پروانه از سوی شهرداری نشان می دهد:

کاهش چشمگیر ساخت‌وساز در گرگان

به گزارش مهر، دوازدهمین جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی با موضوع صنعت ساختمان گلستان، در استانداری برگزار شد. لزوم دریافت صلاحیت حرفه‌ای انبوه سازان از سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان و همچنین کاهش ساخت و ساز در گرگان از جمله موارد مورد تاکید در شورای صنعت ساختمان گلستان بود. شهردار گرگان در این جلسه با اشاره به موضوع مسکن و ساختمان، فعالان صنعت ساختمان را به بیماران در حال کما تشبیه کرد و گفت: مدیران باید با شوک‌های مصنوعی فعالان این بخش را به هوش بیاورند. حسین صادقلو تصریح کرد: در گرگان برای تولید ساختمان در سال ۹۱ بیش از ۷۰۰ هزار متر مربع پروانه صادر شده بود و این عدد امسال به ۸۰ هزار متر مربع رسیده است.وی یادآور شد: تولید هر ساختمان باعث ایجاد شغل می شود و این در حالی بوده که نظام مهندسی ساختمان بیشتر از شهرداری برای مجوز ساخت سختگیری می کند. وی ادامه داد: شهرداری گرگان طی دو سال اخیر عوارض ساختمان را ثابت نگه داشته تا از این راه کمکی به صنعت ساختمان شود. در همین حال استاندار گلستان نیز در نشست شورای گفت و گوی دولت با بخش خصوصی با محوریت صنعت ساختمان استان گلستان با اشاره به رکود صنعت ساختمان در کشور گفت: سیاست دولت تدبیر و امید در سال جاری تمرکز بر رونق این بخش مهم و موثر در بازار کسب و کار است. حسن صادقلو به مسوولان دستگاه‌های اجرایی گلستان دستور داد موانع رونق مسکن استان را در کوتاه ترین زمان ممکن استخراج کرده و برای رفع آن تلاش کنند. وی افزود: اگر لازم باشد در کارگروه ستاد تسهیل و رفع موانع رونق تولید نیز همچون حوزه صنعت، مسایل و مشکلات فعالان بخش مسکن گلستان نیز بررسی شود تا این قشر نیز مورد حمایت تسهیلاتی قرار گیرند. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان نیز در این نشست گفت: انتظار می رود تحرک رونق صنعت مسکن استان طی یک سال آینده به وجود آید. رضا مروتی افزود: در این راستا نخستین اقدام دستگاه های خدماتی استان گلستان از جمله شهرداری ها حذف هزینه های غیرضرور از دوش فعالان حوزه صنعت ساختمان باشد. گفته می شود در استان گلستان با حدود ۱،۹ میلیون نفر جمعیت؛ جدای از فعالان تجربی؛ ۹۰۰ دانش آموخته صنعت ساختمان در امر ساخت و ساز فعالیت دارند.

معاون استاندار و رییس شورای اطلاع رسانی استان:

ضعف در اطلاع رسانی، مردم را از دولت نا امید می کند

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان گفت: به دلیل ضعف در اطلاع‌رسانی، عده‌ای از مردم از دولت تدبیر و امید ناامید شده‌اند. به گزارش مهر علی اصغر طهماسبی در چهارمین جلسه شورای اطلاع رسانی اظهار داشت: به دلیل نبود اطلاع‌رسانی دقیق، عده‌ای به دنبال کوچک و ضعیف نشان دادن عملکرد دولت هستند. وی از روابط عمومی‌ها به‌عنوان محور توسعه دستگاه‌های اجرایی نام برد و تأکید کرد: باید دقت کنیم نشر اطلاعات با تخریب، بزرگ‌نمایی و عدم شفافیت همراه نباشد. رییس شورای اطلاع رسانی استان با تأکید بر اینکه تا حرفه‌ای عمل نکنیم رشد و تعالی اتفاق نمی‌افتد، افزود: هنوز برخی از مدیران در حال فرافکنی هستند و اقدامات را به دوش مدیران قبلی و دیگران می‌اندازند. طهماسبی با تأکید بر اینکه باید کارشناسان خبره و پویا در پست‌های مدیریتی خاص به‌ویژه روابط عمومی ادارات داشته باشیم، تصریح کرد: متأسفانه هم‌اکنون برخی از مدیران روابط عمومی‌ها را به حاشیه برده و توجه ویژه‌ای به آن‌ها ندارند. وی همچنین نقش روابط عمومی را در اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی و گفتمان سازی مهم دانست و افزود: بسیاری از روابط عمومی‌ها شناخت کافی از جایگاه خود و مخاطب ندارند که باید رفع این نقیصه در دستور کار این واحدها قرار گیرد. طهماسبی بابیان اینکه بسیاری از مسئولان و مردم از عملکرد دستگاه‌های اجرایی مطلع نیستند، ادامه داد: هنوز هستند عده‌ای که می‌پندارند اگر اطلاع‌رسانی در خصوص عملکرد دستگاه اجرایی خود داشته باشند، ریا می‌شود. معاون سیاسی استاندار گلستان گفت: در عصر اطلاعات و رسانه‌ها هیچ موضوعی قابل کتمان نیست و مخفی کاری مسوولان فقط هزینه‌ها را افزایش می دهد. علی اصغر طهماسبی اظهار داشت: مسوولان گلستان توجه داشته باشند که هیچ حیاط خلوتی در حوزه اطلاع رسانی برای خود قائل نشوند. وی با بیان اینکه در عصر کنونی و با وجود ابزارهای نوین ارتباطی درز اطلاعات به راحتی اتفاق می افتد؛ ابراز داشت: بهتر است در چنین شرایطی با مدیریت اوضاع؛ همچنانکه اخبار و اطلاعات ارایه می شود با تدبیر از آسیب های احتمالی و بروز شایعات جلوگیری کرد چراکه عده ای همواره در کمین فرصت برای تخریب، سوء استفاده و بزرگنمایی نکات منفی هستند. رییس شورای اطلاع رسانی گلستان گفت: بهتر است فضای اطلاع رسانی به گونه ای باشد که همچنانکه انتقادهای سازنده مطرح می شود، بستر کار مبتنی بر توسعه استان و کشور فراهم باشد. طهماسبی با بیان اینکه توسعه فرهنگی مقدمه هر توسعه ای است؛ خاطرنشان کرد: این مهم نیز با داشتن رسانه پویا ممکن است و اینچنین رسانه ای نیز نیازمند نیروی انسانی آگاه و هوشمند می باشد. وی ابراز داشت: کشور منابع خوبی دارد و باوجود برخی مشکلات، عملکردها نیز در مجموع خوب است اما خروجی و انعکاس آن در جامعه مطلوب نیست که برای رفع این نقص نیازمند انسان توسعه یافته و رسانه قوی هستیم.معاون سیاسی استاندار گلستان تصریح کرد: در دنیای ارتباطات افرادی موفق و برند.

آگهی‌های ثبتی

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای حامد کردمزرعه برابر معرفی نامه شماره ۹۲۰۸/۴۵۹ - ۱۳۹۵/۸/۱۰ با ارائه دو برگ فرم استشهادیه گواهی شده دفتر۵۲ گرگان اعلام نموده که سند مالکیت ششدانگ به پلاک ۳۶۱۱/۷۲ ـ اصلی واقع در بخش یک حوزه ثبتی گرگان ذیل ثبت ۱۶۵۴۱ صفحه ۳۸۸ جلد ۱۰۸ بنام بابک ضیائی فرزند منصور به شماره مسلسل ۸۱۳۴۱۴ از نوع دفترچه ای مسبوق به سابقه ثبت و صدور سند مالکیت می باشد سپس تمامت برابر سند قطعی ۱۳۶۸۸ ـ ۱۳۸۸/۸/۱۴ دفتر ۲۲ گرگان به بانک ملی شعبه شهید بهشتی گرگان انتقال گردید که سند اولیه بعلت جابجایی مفقود گردیده لذا نامبرده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده است. از این رو باستناد به ماده ۱۲۰ ـ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می¬گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

محمداسماعیل‌پور
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک گرگان
۶۳۹۴ م الف

«»

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۸۸،۹۰ مترمربع پلاک ۲۵۶۸ فرعی از ۱۰۸ ـ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان ملکی آقای قربانعلی مهدی پور دنگلانی فرزند حسینعلی در ساعت ۱۲ صبح روز چهارشنبه ۱۳۹۵/۹/۲۴ در محل وقوع ملک واقع در گرگان ـ خیابان امام رضا ـ کوچه امام رضای ۸۳ بعمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاورین نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه برآن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می¬تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

محمداسماعیل‌پور
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان
۶۳۹۷ م الف

لــب ی جدول

شهر پَرچین های رنگی(۲)

ناهیداحمدپناه

در لب ی جدول نگاه تازه ای است به گوشه گوشه ی شهر گرگان همان چیزها که چشم به دیدنشان آمخته شده و دیگر نمیبینیمشان همان روزمرگی شهر در کنار معرفی گوشه، کنار شهر کوشیده ام دلشوره های آدم ها را از نگاهشان بخوانم و بنویسم با تعهد به راه رفتن در لبه جدول، کوتاه نویسی و نگارش فارسی تا آنجا که خواننده را به بیزاری نکشاند باهم در لب ی جدول قدم بزنیم

از جلوی هتل نیمه کاره ی پارتیا که رد می شوی بیش تر از آن که بلندای ساختمان سفید و پنج ستاره بودنش به چشم بیاید، نرده های جلوی آن و علامت های خطر نگاهت را می دزدند. نه هشدارها زیاد نگرانت می کنند و نه نرده ها، نشانه های خطر که همیشه سه گوش و زرد بوده اند و همین شکل و رنگشان کنار دلشوره ای که به جانت می اندازند، ناپیدا آرامت هم می کند، و نرده ها، آهنی نیستند و چوب های بالابلند و رنگ رنگی اند که آدم را کوتاه، یاد پرچین های دور مزرعه و خوشه های طلایی در نوبتِ درو می اندازند، کاری نداریم که پَرچین ها از کجا می آیند و دل خوش به طلایی ها رد می شویم. حلقه های لوله های خرطومی نارنجی مرتب چیده شده ی جلوی مغازه ی الکتریکی هم این میان خودی نشان می دهند و رنگی بی عطر و بو به خیال می زنند. از«خانه کباب یاشار و عطا»ی سفید وقرمز در زمینه ی سیاه که بی ترفندِ رنگ ونقش، کم تر اشتها را برمی انگیزاند رد می شوم و چشم از عسل فروشی خیلی جدید آن سمت خیابان برمی دارم و عرض خیابان شیب دار قلعه حسن را روی آسفالت پشت سر می گذارم. تابلوی «پارکینگ خاله سارا» با همه ی کوچکی و سیاه و سفید بودنش خوب دیده می شود به خصوص اگر خودش هم با آن حجم مشکی دم درب ورودی پارکینگ روی چهارپایه اش نشسته باشد. نمی دانم ایده ی پارکینگ داری را کسی یادش داده یا نبوغ خودش بوده ولی برای زنی مانند او کم از راه یافتن به مجلس و کابینه ی وزیران نباید باشد. به هر شکل فکر نمی کنم بشود خاله سارا و لبه جدول را به هم وابسته کرد... ادامه دارد

خبر

مشاور جوان استاندار گلستان انتخاب شد

استاندار گلستان با صدور حکمی، محمدمهدی صفایی را به عنوان مشاور استاندار و رییس گروه مشاوران جوان منصوب کرد. وی از چهره های فرهنگی، رسانه ای و کارشناس ارشد ارتباطات است. صفایی پیش از این کارشناس دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، مدیر اجرایی موسسه انتشاراتی پیک ریحان، مدیر مرکز همایش های اندیشه موسسه فرهنگی میرداماد و مدیر پردیس سینمایی کاپری گرگان بوده است. صفایی همچنین از سال ۸۰ روزنامه نگار و مدیر اجرایی در مطبوعات محلی بوده و یادداشت های متعددی از او در رسانه های مکتوب و مجازی منتشر شده است.وی در کارنامه خود برگزاری بیش از ۱۰۰ جشنواره، نمایشگاه، همایش و رویداد فرهنگی و هنری را دارد. پیش از صفایی این مسئولیت بر عهده علی نصیبی، بوده است که هم اکنون به عنوان مدیر کل امور روستایی استانداری گلستان مشغول به فعالیت است.

«»

سازمانهای مردم نهاد به کمک بیایند

زنگ خطر انقراض منابع آبزی

معاون فرماندار بندر ترکمن گفت: استمرار صید و صیادی غیر معقول، حیات جوامع بشری پیرامونی خزر و منابع آبزی این دریا را در آینده به مخاطره می اندازد و بهره مندی از ظرفیت سمن ها برای کاهش آسیب ها در این حوزه ضروری است. سید صادق شیرنگی در نشست هم اندیشی با سمن های مردمی شهرستان ترکمن اظهار داشت: صید غیر مجاز و صیادی های غیر معقول و حریصانه، زنگ خطر انقراض منابع آبزی خزر را زودتر از انتظار به صدا در آورده و مدیریت و اصلاح این رویه از عهده چند ارگان متولی با نیرو و امکانات اندک میسر نبوده و نیازمند مشارکت نهادهای مردمی در این بخش است. وی اضافه کرد: هیچ مسئولی با مقوله صید و صیادی مجاز و معقول مخالف نیست و از این شیوه حمایت نیز می شود، اما مشکل از جایی آغاز می گردد که عده ای سودجو و منفعت طلب با اهداف خاصی به این زمینه ورود پیدا می کنند.

نسخه اینترنتی روزنامه گلشن مهر www.golshanemehr.ir

شـعر

محمد فرازجو

چراشاعر...
چرا شاعر باید بداند دلیل آهو شدنش را؟
نمی داند این برف وحشی دلیل پارو شدنش را
درخت سیب خانه ی ما، الهی که سیب بماند
پرستو خوشرنگ است وزیبا، نمی خواهم قو شدنش را
همیشه عطری داشتی و نمی دانستی تو، چه نازست
گل زیبایی که نداند دلیل هی بو شدنش را
بدم از انسان پر از بد ، بدم از موجود شریفی که دارد یک کم کرم و خیلی خیال زالو شدنش را
فرار یک گنجشک شاد از هگل ها و هایدگرها
نمی خواهد یارو بداند دلیل یارو شدنش را
نپرس از من با من بدو تا «عزیزم» تا آخر این «مه»
مگر عاشق باید بداند دلیل آهو شدنش را ؟!

«»

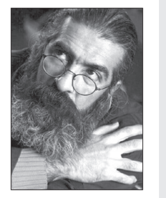

سینا به منش

بازنده منم، که در را باز میگذارم شاید که باز گردی...
دزد هم که بیاید
چیز مهمی برای بُردن نمی یابد!
مهم «من» بودم،
که «تو»
بُردی!

«»

سیمین رهنمایی

نامه ام به تو نمی رسد
و نامه رسان
برگ های رنگی را
مثل شبنامه در گورستان می پراکند
و مورچه ها
پیوسته از زخمی بزرگ حرف می زنند
زخمی روی حروف قبر ها
زخمی در سطر خاک

دیگر جایی نیست
که تو را نگفته باشم
زخم هایت را نبسته باشم
و گلویت را نبوسیده باشم
گلویت
حنجره دشتی است
از بازماندگان مرغان سحر

همچنان می نویسم
برای درب های اهنی بزرگ
برای پاسبان های پیر
لادن ها
شمعدانی ها...

«»

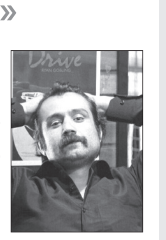

محمد گنابادی

بیهوده دهانی بر پنجه به زخم خاک
بیهوده خاکی اسیر اساطیر اخته
بیهوده‌تر مبارزان شکست خورده در توهم
ادامه‌ی مسیر
و آزادی
دروغ نسبتن بزرگی
ایستاده در ساحل یک اقیانوس
یا به رقص نور تن داده اواسط یک میدان
به ریشخند نشسته
شریان‌های بریده را
بیهوده همخوابه‌گی اسلحه در تن مردی
و مشت مشت غزل عاشقانه‌ی زن مردی
که خط آخر ماجرا هنوز باز است

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

تحولات اجتماعی و شعر تجربه گرای دهه های هفتاد و هشتاد در ایران

آنچه بر شــعر گذشت...

علی قنبری شاعر، نویسنده، مترجم و پرفورمر و از شاعران دهه هفتاد است که همیشه دغدغه ی تجربه گرایی دارد. مجموعه شعرهای «نقطه پشت فعل خراب یا فرانتزکافکای پشت جلد»، «نامه به / از رویا و ضمائم پاره وقت»، « یک ساعت سعد با مارک وستندواچ» و «شعرماهی صیدناشدنی»، رمان «چسب و قیچی در گزارش یک ذهن اجاره ای» و ترجمه «شعر پست مدرن، پل هوور»، «منتخب اشعار کنستانتین کاوافی»، «منتخب اشعار آلن گینزبرگ» و پرفورمنس هایی نظیر «چطور یک کره را مکعب ببینیم» از آثار او هستند.« تاثیر تحولات اجتماعی بر شعر دو دهه ی اخیر» موضوعی بود که با او در میان گذاشتیم تا او از منظر و حال و هوای خودش در آن سالها به آن بپردازد.

برای اینکه بخواهم از شعرتجربه گرای دهه هفتاد تا اکنون حرف بزنم باید از انقلاب شروع کنم. انقلاب پنجاه و هفت بی شک نقطه ی عطف تاریخ معاصر ماست و حد اعلای آرمان خواهی اجتماعی حول و حوش این نقطه ی تاریخی به چشم می آید و شعر فارسی نیز به تبع اینکه نسبت مستقیمی با تحولات اجتماعی دارد لاجرم به بطور چشمگیری دستخوش شرایط این مقطع زمانی است.

اگر بخواهم به چشم انداز تحولات شعر فارسی در در دهه ی هفتاد به بعد نگاهی بیندازم باید که به این سرفصل اشاره کنم. انقلاب یک انقلاب است از هر جهت. انقلاب تمامی پدیده های فرهنگی را دچار بحران کرد، بحران اساسا می تواند وجهی استعلایی را رقم بزند و یا اینکه تقلیل دهد. انقلاب بی شک یک شوک بزرگ بود، همه چیز را مساله دار کرد. و در طلوع آن یک جنگ ایدئولوژیک تمام و کمال اتفاق افتاد. گرچه شعر برای بسیاری از شاعران همیشه یک امر سیاسی تلقی می شود، یک امر مدنی و همنشین بلافصل ایدئولوژی(بطور عام)، اما به هر رو شاعران ما خودشان را به طرفدار هنرمتعهد(committed art یا هنر برای هنر art for art sake) تقسیم کرده بودند و آن دوران برای هر دو گروه دوران فترت بود. اما پس از آن طولانی ترین جنگ قرن اتفاق افتاد که بر هر چیزی پایان می دهد تا چه رسد به شعر و بعد نیز دوره ی رکود چند ساله ای که عارضه ی هر جنگی است.

در جهان اما اتفاقات مهم تری افتاد. در نیمه دوم دهه ی هشتاد میلادی میخائیل گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی دست به اقداماتی زد(پروسترویکا و گلاسنوست)، اصلاحاتی سیاسی و اقتصادی که نهایتا منجر به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ابتدای دهه نود میلادی مقارن با هفتاد شمسی شد.

گفتمان چپ بعنوان پرنفوذترین گفتمان در فضای روشنفکری ایران دستخوش چالش شده بود. اوضاع تغییر کرده بود و اما انقلاب مهمتری نیز در راه بود، انقلاب انفورماتیک. از سال ۱۳۶۸ شمسی و در دوره دوم وزارت خاتمی در وزارتخانه ارشاد، در ایران شرایط تغییر کرده بود و کتاب های مهم و تاثیرگذار در حوزه نظریه ادبی کم کم داشت ترجمه، چاپ می‌شد. جریان های مهم اندیشگی و نظریه های ادبی پس از ۱۹۶۰ میلادی در اروپا با سه دهه اختلاف فاز زمانی بتدریج منتشر می‌شد و بعدها این روند تا پایان دهه هفتاد با چاپ دهها کتاب (حدودا دویست کتاب) ادامه یافت. «پیش درآمدی بر نظریه ادبی» تری ایگلتون (ترجمه عباس مخبر، ۱۳۶۸) و «ساختار و تاویل متن» بابک احمدی (۱۳۷۰) از جمله این کتابها بود. بقول زنده یاد گلشیری تا پیش از این ما فقط کتاب «مکتب های ادبی» رضا سید حسینی را داشتیم.در آن سالها من که در مشهد زندگی می کردم به کتاب «از افلاطون تا اکنون» رامان سلدن دست پیدا کرده بودم و همچنین با مراجعه به مرکز کامپیوتر دانشگاه فردوسی به مقالاتی دست می یافتم که اگر اکنون با صدم ثانیه و با جستجو در گوگل میسر می شود، در آن زمان یک هفته بعد با مراجعه مجدد به مرکز به حجم عمده ای از کاغذهای پرینت شده دست می یافتم و بدین ترتیب شروع به ترجمه مقالاتی از رولان بارت، ژولیا کریستوا، نورتروپ فرای، دیوید لاج، اج.گرماس، تری ایگلتون و ... و چاپ آن در هفته نامه توس کردم . اما کتاب مهم و تاثیرگذار «خطاب به پروانه ها و چرا من دیگر شاعر نیمایی نیستم؟» رضا براهنی چهره ی تاثیرگذارنقد ادبی معاصر ایران در زمینه شعر و موخره ی تئوریک تاثیر بسزایی در جریان شعری آن دوره داشت. به هر رو برای من و همفکرانم شاعران و حرکت هایی که در ادبیات معاصر نمودار منفصلی رسم کرده بودند مطمح نظر بودند. رویایی، براهنی و باباچاهی، شعرحجم، شعر دیگر و... از این جمله بودند. شعردهه ی هفتاد دقیقا تقابلی بود با آنچه که در دهه ی پنجاه و شصت عادت مالوف شده بود، شاعران جوان و تازه نفس و عصیان زده ترجیح دیگری داشتند: ترجیح یک کمپوزیسیون گشوده بجای یک کمپوزیسیون بسته ، ترجیح بهم ریختن روابط علت و معلولی تا بکارگیری آن، ترجیح خردستیزی و فی البداهه نویسی بر صناعت گری و خوش ساخت بودن ، ترجیح امر شخصی به امر خیالی، ترجیح غیرعقلانی بودن برعقلانیت، ترجیح فی البداهه گی به ادیبانه گفتن، ترجیح شعر بعنوان امری هستی شناسیک به شعری که عمق معرفت و آگاهی را بکاود، ترجیح صورت های فصلی و انشقاقی به صورت های عطفی و بسته، ترجیح پروسه های اتفاقی و از پیش نیندیشده به قصد و هدف، ترجیح تفسیر زدایی و غلط خوانی به ویراست و تصحیح شعر و مهارت های کلامی و لفاظی ها، ترجیح اینکه در شعر کلاسه بندی مطلق زبان ادبی موجود نیست و ترجیح به تقسیم زبان شعر به ادبی و غیر ادبی، ترجیح شعر همچون یک پروسه تا شعر به مثابه محصول و تولید، ترجیح روند، رخداد و اجرای کار در شعر تا موضوع و محتوا و هدف، ترجیح یک شعر دموکراتیک و درگیر کهکشانی از دال ها تا ذهنیت یک دانای کل، میل به فزاینده تر شدن اشتیاق به تسکین با یک ابژه ی بیرونی.

اما حرکت های اساسی در شعر و آنچه که به عنوان شعر دهه هفتاد موسوم است و باعث دگردیسی چشمگیری شد بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ اتفاق افتاد، زمانی که اصلاح طلبان به پیروزی دست یافتند و شرایط به طور کلی تغییر کرد. به گمان من جریان اندیشگی بعد از این سالها بود که رونق یافت و رسانه ها را به خود آغشته کرد و در واقع وجه مصرفی اش را توسع داد. آنچه که اتفاق افتاد در تاریخ معاصر کم نظیر بود، رشد قابل توجه انتشار مطبوعات، دوره ای که به بهار مطبوعات معروف شد و فقط با دوره نخست وزیری دکتر مصدق در سال ۱۳۳۱ قابل مقایسه بود و حتی پر رونق تر از سال ۵۸ و در طلوع انقلاب. موج ترجمه و تالیف ناشی از جنبشی شدن پتانسیل بالای نخبگان که در این سال ها بی مصرف مانده بود و حس مشترک نسل سوخته ای (نسل من) که از آرمانگرایی بیزار بود موجد بستر و فضایی شد که شعر را نیز دچار تغییر و تحول کرد. زمینه های اجتماعی بیش از هرچیز موجد این تغییر فضا بود .در واقع گفتمان شعر تجربه‌گرا در آن سالها حاصل نگرش نسلی بود که تحولات در حال گذار پیرامونی‌اش و تناقضات ناشی از آن او را در وضعیتی قرار داده بود تا به مثابه ی یک نویسنده این تناقضات را دریابد و بحران و تنش هایش را حس کند وآن را به تمامی به شعرش انتقال دهد. این نسل با نوعی عدم یقین و شک به باورهایش ، فعلیت شناسنده اش و اثرش نگاه می کرد و هیچ ابایی نداشت تا این وضعیت گسست، اضمحلال و تخریب را در شعرش بروز دهد چرا که حداقل بعنوان یک شاعر در این عرصه در انتظار پیش قراولی نبود و تا آنجا پیش می‌رفت که مرزهای ادبیت را نیز دچار بحران کند ، بحرانی که به زعم من و هم نسلانم خود سازنده ادبیت است و پیش برنده ی شناسنده ی متعالی تا آنجا که شاعر مرزی برای خود حس نمی کرد و هیچ ممیزه ،مولفه و وضعیتی را بعنوان پاسدار رهیافت هنری خود نمی دانست و سعی در تخریب ساختار معناشناختی تجربه ، زبان و هستی شناسی زندگی آن روزش داشت. مساله پردازی و بروز صورت های متفاوت پرسمان نبض مولفه های شعر در آن زمان شده بود، جریان اندیشگی و فلسفی شتاب یافته بود و جریان فکری غرب در قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته بود. دستاورد اندیشمند غربی برای ما به مثابه ی کالایی با انضمام فرهنگی نبود یعنی اینکه گرچه جنبه های فرهنگی ادبیات و فلسفه وجود دارند اما ادبیات و فلسفه یک پدیده ی فرهنگی نیست و نگرش فلسفی دغدغه ی هر انسانی است .

مفاهیم انسانی ،دگر گشت های این مفاهیم، انسان ، انسانیت ، انسان گرایی و نظایر آن همه پرسش های فلسفی هستند حتی اگر ما با ادعاهای فلسفی و یا تاویل های فلسفی مربوط به آن موافق نباشیم . پس ما مجبور بودیم که با ادعاهای فلسفی درباره این مفاهیم مواجه شویم، چرا که فلسفه مقوله ای کاملا جهانی است و توجه به غرب به عنوان کانال جریان فلسفی چیزی کاملا طبیعی است همانطور که باید به یاد داشته باشیم منشا جریان فلسفی در یونان است اما باید به این نکته نیز توجه داشت که یونان به عنوان یک منشا واحد و یکه تلقی نمی شود بلکه همبافته ای از جریان ها موجد الگوی یونانی اند وهمچنین تفوق اندیشه اروپایی بر جهان نادیده گرفته نمی شود. به هرحال در جایی که آموزه های فلسفی بر هر چیزی موثرند از دانشگاه ، دولت و حکومت گرفته تا یک میزگرد رادیویی و روابط ژورنالیستی، چرا نهاد ادبیات را که بیشترین همگرایی را با آن دارد تحت تاثیر قرار ندهد .به زعم دریدا عدم آموزش فلسفه موجب می شود شهروندان نه فقط روز نامه ها را بلکه تصمیمات دولت و شورای امنیت را نیز درنیابند تا چه رسد به ادبیات. امروزه در بسیاری از نظرگاه ها تفاوتی بین ادبیات و فلسفه وجود ندارد و آن نگاه کانتی بکلی نادیده گرفته شده است . گرچه به زعم دریدا این « فلسفه در همه جا » می تواند اسلحه خطرناکی باشد و باید با آموزش حرفه ای همراه باشد چرا که در غیر این صورت به یک ناسازه(paradox)درجایگاه‌شناسی(topology)این رشته بدل می شود. در نیمه ی دوم دهه هفتاد جوانانی که سر پرشوری داشتند و تحت تاثیر دستاوردهای تازه به صفحات ادبی آن روزگار دست یافته بودند، وجه رسانه گی شان را پررنگ کردند. تجربه گرایی و آوانگارد بودن نمود بیشتری یافت چرا که محافظه کاری به شدت تحت شعاع قرار گرفته بود.

در آن زمان مباحث و چالش های جدید شعری و اشعار به صفحات روزنامه ها هم راه یافته بود و کثرت مطبوعات باعث شده بود که راه برای ما جوانها باز شود و دیگر این مقالات و یادداشت ها و اشعار ما بود که در مطبوعات به چاپ می رسید. در سراسر ایران جوانهایی بودند که به نظرگاههای تازه ادبی دست یافته بودند و مباحث چالش انگیزی را طرح می کردند. یک همگرایی بدون هماهنگی بین این دسته از شاعران و نویسندگان اتفاق افتاده بود و ما یکدیگر را بواسطه ی نوشتارمان پیدا کرده بودیم و حتی ممکن بود بدون اینکه رو در رو بشویم، تلفنی همدیگر را پیدا کنیم و با هم حرف بزنیم و نهایتا مطالب و شعرهای همدیگر را دنبال می کردیم. به هر رو برای من آن دسته از نویسندگان و شاعران جوانی جذاب بودند که رویکردهای تازه ای را متاثر از دستاوردهای اندیشگی ۱۹۶۰ به بعد اروپا و متاثر از اندیشمندانی چون دریدا، بارت، ویتگنشتاین، لکان، کریستوا، فوکو، گادامر، بودریار، لیوتار، هامبورگر، گرماس، فرای، لاج، ایگلتون، سلدن و ...دنبال می کردند و جنبش های مهم شعری مثل شعر زبان، مکتب نیویورک و نسل بیت را می شناختند و مولفه های بسیار تازه ای مطمح نظر می داشتند.

بدین ترتیب یک اتفاق و همراهی بطور شخصی و همچنین در سطح رسانه ها شکل گرفت. ما شاعرانی بودیم بعضا شاعر– منتقد بودند و نیاز داشتیم که رسم الخط تازه مان را شرح و بسط دهیم. البته چالش ها از تقابل نسل جدید و نسل قدیم فراتر رفته بود و همان کسانی که خودشان را شاعر دهه هفتادی تلقی می کردند از منظر دسته ی دیگر هنوز همان روند محافظه کارانه و بازتولید ادبیات پیشین را در دستور کار خود قرار داده بودند و با اینکه مدعی بودند اما شعرهایشان مولفه های شعری دگردیسی شده را نداشت. مولفه ها همان بودند که در دهه شصت بود و فقط با راه انداختن هیاهو خود را با یک حرکت جمعی متصل می کردند بی آنکه ذاتا از محافظه کاری خود دست کشیده باشند. گرته برداری هایشان از مایاکوفسکی و ناظم حکمت بود و اما خود را پیشرو می دانستند. اما این مساله چیزی نبود که در درازمدت از چشم پنهان بماند و حالا و به مرور مشخص شد که ایشان در آن سالها چقدر از یک شعر مساله دار و تجربه گرا فاصله داشته اند. در آن سال ها ما شاعرانی که به یک رویکرد مشترکی رسیده بودیم، همدیگر را می یافتیم بدون اینکه قبلا با هم دیداری داشته باشیم و مطالب و مقالات و اشعار همدیگر را می خواندیم و گارد مشخصی علیه آنچه که در مجلات ادبی آن روزگار رقم می خورد داشتیم و البته گونه ای عصیان و خودباوری هم در ما موج می زد و یک حلقه ی فکری غیربرنامه ریزی شده شکل گرفته بود، کسانی که رویکردی زبانی به شعر داشتند، آدمهای خوانده ای بودند و اندیشه ی اندیشمندان نیمه ی دوم قرن بیستم را دنبال می کردند و نگاه مولفانه ای به شعر و ادبیات داشتند.

به هر رو جریان روشنفکری ادبی که بعد از دوم خرداد ۷۶ در حال ترکتازی بود، در آذرماه سال ۷۷ مورد هجمه ی وحشتناکی قرار گرفت و در جریانی موسوم به قتل های زنجیره ای دو تن از فعالان عرصه نقد ادبی (مختاری و پوینده) را از دست، ضمن اینکه دیگر نویسندگان نیز که بعدها هم مسجل شد که اسم شان در لیست ترور بوده، یک دوره وحشت را پشت سر گذاشتند. اما بعد از اینکه رئیس جمهور وقت آن پروژه شوم را رو کرد اوضاع کمی آرام شد و ضمن اینکه جریان اندیشگی دیگر آن چیزی نبود که به این سبب متوقف شود.

ادامه دارد ...

نگاهی مختصرو شاید مفید به یک شعر از «غلامرضا طریقی»

شعری کوچک از شاعری بزرگ

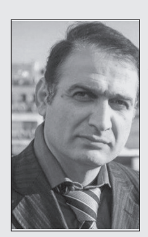

عباس فرهادی

غزل

من خانه ی ویرانه ام و بی خبر از من
هر روز خدا می گذرد صدنفر از من
مثل خودِ شیطان فقط از دور مهیبم
بیهوده گریزان شده نوع بشر از من
چون صخره شبدو روز رفیقش شدم اما
دریا به کسی مشت نزد بیشتر از من
در خاطر من هیچ بجز حزن نیندوخت
آن کس که نمی خواست بجز شعرِ تر از من
ای عشق،بیا آدمی از نو بتراشیم
خوشبخت ترو خوب ترو شادتر از من

شاعر گرامی آقای غلامرضا طریقی متولد۱۹۷۷میلادی در زنجان و ساکن تهران که از نشست کانون اردیبهشت گرفته تا چاپ آثاری در نشر سوره ی مهر،نیماژ و فصل پنجم و نیز برنامه های فراوان مثل شاعر مهمان در نشست های متنوع ادبی حتی همکاری با خوانندگانی مثل استاد سراج و صداو سیما بسیار فعال می باشد.قبل از اینکه به سر قصه بشوم،مجبورم با تجربه های قبلی ام از نقد آثار دوستانم،دونکته را یادآوری کنم:

۱-دوستانِ یکی از شاعران خوبمان بخاطر نقدی کامنتی احساسشان شرحه شرحه شد و بنده را مورد لطف قرار دادند و این درحالی بود که خود شاعر بسیار احترام گذاشت و حمایت کرد،اگر جلوی نقد را–حتی نقد معمولی من را–بگیرید،بیشتر به فضای ادبی بخصوص شاعر توهین می شود.

۲-این نوشته فقط یادداشتی بر یک شعر عجیب است نه کلِ اشعار ایشان و یا انتقاد از شاعر وگرنه من خودم یکی از هوادارهای اشعار طنز ایشان هستم.

ب)غزل عجیب:

من خانه ی ویرانه ام و بی خبر از من
هر روز خدا می گذرد صد نفر از من...

الف) ضعف تالیف:

باورم نمی شود این کار از دوست فرهیخته ام باشد.شما همین مصرع اول را با مصرعی از عطار مقایسه کنید که تفاوت فخامت سخن را با ضعف تالیف مقایسه کنید:«ای در میان جانم و جان از تو بی خبر» عطار بجای تکرار حشوی «من»یک جا از ضمیر شخصی پیوسته«م»در«جانم» و در ادامه از ضمیر شخصی جدا«تو»استفاده کرده است که فضای مناظره ی دو طرفه را ایجاد کرده،ولی تکرار «من » که دراین شعر کوتاه بیش از ۱۱بار به شکل انواع ضمیر و شناسه آمده و در این بیت نه تنها ایجاد آرایه ی «تکریر و تصدیر» حرفه ای نکرده،بلکه به فضای تشبیه و تشخیص«خانه» با احساس«تعقید»آسیب زده. درمصرع دوم که احتمالاً اینجور خوانده می شود:«هر روزِ خدا می گذرد صدنفر از من» اگر آنچه به نظر می آید ارکان جمله اینطور می شود که «صدنفر»نهاد جمله است و«می گذرد»فعل است،که به ضرورت وزن شعر «می گذرد »بجای «می گذرند»آمده چراکه«فعل»جمله می طلبد به زبان دستوری رایج«جمع»بیاید.واگر«نهاد»جمله را کلمه ی دیگر بدانیم بیشترجمله دچار بحران می شود .حتی مصرع بی عیبی مثل«خوشبخت ترو خوب ترو شادتر از من»هیچ خبری از معجزه و حادثه ی زبانی ندارد و چند مصرع دیگه هم همینَد و از حرف و اتفاق زبانی خالی است. مثلاً ادات تشبیه«چون»به معنای «مثل و مانند»امروزه متروک شده و کاربرد نداره و زبان را کهنه می کند.

ب) موسیقی کناری:

ردیف «از من»جز تکرار یک ردیف معمولی کمکی به شعرکه نکرده حتی این اول شخص مفرد سبب شده شعر به سمت«منِ شخصی»پیش بره[به قول ایرج میرزا: دیشب دونفر از رفقا آمده بودند/درمحضر من ساخته برماحضراز من]. قافیه ها هم نه تنها ساده اند بلکه اگر به قواعد سنتی شعر مقید باشیم حتی قافیه ها اشکال هم داره.می دانیم که حرف رَوی از سازندگان اصلی قافیه است و اگر شاعر از پسوند آشکار برای قافیه ساختن استفاده کند به این عیب«ایطا»می گفتند اما یک بار را در شعر کلاسیک تبصره دانستند اما در یک شعر۵بیتی دوبار از پسوند تکراری«تر»در«بیشتر»و«شادتر»استفاده کرده که عیب«ایطای جلی»هم می شود و این عجیب است!

ج) صور خیال:

هیچ تصویر ابداعی قابل تاملی نیست،صور خیالِ تکراری یا شبیه سازی مثل:«من به خانه ی خراب،منَ به شیطان،من به صخره و مشت زدن دریا به این صخره،حزن اندوختن،ازنو تراشیدنِ آدم و...»بسیار کاربرد دست کم شبیه سازی دارند.مثلاً«مشت کوبیدن دریا به ساحل از نیما،آدمی دیگر بباید ساخت وز نو آدمی حافظ ،تو رااز مرمر شعر تراشیدنِ نادرپور،کلبه ی احزان حافظ و تشبیه ده ویران مولانا»و کلی نمونه های مشابه ی دیگر

د)عدم تناسب موسیقی و عاطفه:

درونمایه ای که شعر اصرار داره رک بگوید«شکوه و شکایت»شاعر است و حتی واژگانی مثل«حزن،مشت کوبیدن،خانه ی ویرانه،مهیب و...»و نیز «مشبه به»های منفی روی هم رفته شعر را به سمت فضایی دلگیرو معترض پیش برده ولی هیچکدام از موسیقی های شعر تناسبی با این «بار عاطفی شعر»ندارد.مثلاً موسیقی بیرونی(وزن عروضی)کار«بحر هزج مثمن اخرب مکفوف محذوف»یعنی«مفعولُ مفاعیلُ مفاعیل فعولن»می باشد که یکی از وزنهای ریتمیک،تغزلی و شاد است و با «منِ شعر»تناقض دارد!

موسیقی کناری شعر که با واج آرایی ها،جناس تام،تکرار حشوی و ردیف و قافیه ی نسبتاً طولانی بخصوص در مصرع آخر نشان از موسیقی سرزنده و شاد دارد!

ه) شاعر یا راوی:

شعر اصرار دارد که با تاکید بر یک روایت با «راوی»اول شخص مفرد که در شعری ۵بیتی بیش از ۱۱بار عجیب است آنهم با قرار گرفتن ضمیرش در جایگاه ردیف و تصدیر بیشتر برجسته شده از شاعر یک راوی فعال و از مخاطب و شنونده یا خواننده ی منفعل ساخته و جز یک مصرع که فعل«بتراشیم»جمع بسته شده باقی سطرها اصرار به روایت اِخباری دارد و این امکان شریک شدن دیگران در همراهی با مولف را می گیرد!البته همون مصرع هم با«تشخیص تکراری(ای عشق)منادایی» و «ایهام تکراری (آدمی)در شعر قدیم»باز همون اندک جمع بستن را کمسو می کند.

و) پایان:

درپایان دوباره تاکید می کنم این نوشته ی بداهه فقط نقد مختصری بر همین شعر استاد غلامرضا طریقی می باشد و هرگز یک شعر نماینده ی استعداد و سیاق شاعر نیست و با شناختی از حرفه ای بودن ایشان دارم،به قلمم جرات این ناقابل را دادم،وگرنه بنده دوسالی می شود که قلم طنز دوست زلال و فرهیخته ام را دنبال می کنم و حتی از ایشان الگو گرفته ام و بسیار آموخته ام و نخستین بار است که شعری از ایشان می بینم که نمی پسندم.

ترجمه شـعر

جمانه حداد ، شاعر و روزنامه نگار جوان لبنانی (۱۹۷۰ بیروت) ،رییس تحریریه ی مجلّه ی"جسد" و همچنین عضو هیات امنای جایزه بوکر عربی است . او تا کنون جوایز زیادی دریافت کرده از جمله جایزه "ردودلفو جنتیلی" که یک نقاش ایتالیایی است و این جایزه را جهت تشویق بهترین شاعر زن جهان که از حقوق زنان دفاع می کند در نظر گرفته است. دیگر جوایز جمانه حداد جایزه ی مطبوعات عرب در دبی در سال ۲۰۰۶، جایزه ی "شمال جنوب برای شعر" از ایتالیا و جایزه ی "بلو متروپلیس برای ادبیّات عربی" در سال ۲۰۱۰ از کانادا را برده بود. وی همچنین به عنوان یکی از ۳۹ شاعر و نویسنده ی زیر ۳۹ سال جهان عرب از سوی مرکز فرهنگی بیروت انتخاب شده است. از آثار شعری او می توان: وقتی برای خواب ، دعوت به شام پنهانی، و عادت های بد را نام برد.

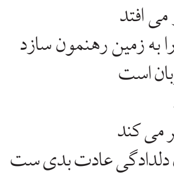

جمانه حداد
مترجم: محبوبه افشاری

«عادت»

گفت عشق چیزی شبیه به قمار است
و او پیوسته در حال باختن
گفت عشق عادت بدی ست
اما جرات آن ندارد تا شفا یابد
گفت که از نور می ترسد
با وجود شبی که بخشیده
و کم نبوده است
به تنهایی اش بسنده می کند
و رفاقت برایش مهم نیست
اما
او از ابر خویش فرو می افتد
هر گاه که بارانی او را به زمین رهنمون سازد
گفت که بیهوده مهربان است
و ناخواسته شکننده.
اما به سنگدلی تظاهر می کند
چرا که محبت چون دلدادگی عادت بدی ست
و همینطور این سکوت
هرگز او را ترک نکرده است
گفت زنی خسته است
رنج کشیده
که به درد خواب هم نمیخورد
اما می خواید تا جنین وار باقی بماند
و آب های هاویه او را در بر گیرند
گفت زنی خسته است
و هر روز از ، سبک مغزی¬اش خون می چکد
و سر آن ندارد که شفا یابد
گفت او بازنده فطری ست
بازنده تا لایق پیروزی اش باشد
و در پایان: زندگی همه اش عادت بدی ست
و شاید هرگز از آن شفا نیابد
حتی با اندکی اراده
یافراموشی بسیار

شـعر

اسماعیل مهرانفر

صحنه را از اسب
خالی کرده ام
و می گذارم که باد
تنها به یال بپردازد
و می گذارم که باد
چون گرمش پاییزی
فاصله در یال ها
ایجاد کند
سواران در این تصویر
تصمیم گیرنده اند
و وقتی که تو را غارت می کنند
من هم گوشه ای از توام
گوشه ای از زیبایی ام
که دارم به یاری باد
می وزم
که دارم در این تصویر
سکوتت ام را از دست
می دهم
باید تکانی بخورم
و بر منبری که در گوشه است
خطبه ای در عشق
جاری کنم
خطبه‌ای که در آن
دیگرانم می رقصند
و در ظلمات
برخلاف هم
می وزند .

نسخه اینترنتی روزنامه گلشن مهر www.golshanemehr.ir